



منشا و تاریخچه بند امیر

مقدمه

پارک ملی بند امیر در فاصله ۲۱۵ کیلومتری کابل پایتخت افغانستان، ۷۵ کیلومتری غرب ولایت بامیان و ۱۷ کیلومتری شمال شرقی شهرستان «یکاولنگ» و در میان رشته‌کوه‌های هندوکش شرقی و رشته‌کوه‌های بابا در مرکز این کشور قرار دارد.

بند امیر با ارتفاعی نزدیک به ۳۰۰۰ متر از سطح بحر یکی از مرتفع‌ترین جهیل جهان، دارای ۶ بند است که منشأ آن چشمه‌ای معروف به نام «کپرک» در ۱۴ کیلومتری این بند می‌باشد.

عمق جهیل بند امیر ۶۴ متر تخمین زده شده که این کار را «بوتیش فورستتر» آلمانی انجام داده است.

بندهای کوچک بند امیر؛ «بند غلامان»، «بند ذوالفقار»، «بندپنیر»، «بند قنبر»، «بند پودینه» و «بند هیبت» نام دارند که توسط دیوارهای سنگی شیب‌دار «تراورتن» احاطه گردیده است.

بزرگترین بند، بند امیر با ۴۹۰ هکتار بنام بند ذوالفقار یاد می‌گردد و کوچکترین بند، بند غلامان است که ۸۰۰ متر طول دارد.

زیباترین و عمیق‌ترین جهیل بند امیر، بند هیبت نام دارد که بیش از ۳ کیلومتر طول و ۴۶۰ متر عرض دارد و از نظر مساحت سومین جهیل این بند است که تپه‌های لم‌یزرع با آبی به رنگ یاقوت سبز منظره خارق‌العاده‌ای را به رخ هر بیننده‌ای می‌کشد.

در این میان بند پنیر نیز که تقریباً ۱۴۰ متر عرض دارد در فاصله کمی از بند ذوالفقار، با دیواره‌های سفید همچون پنیر تداعی کننده صحنه‌ای شگفت‌انگیز است.



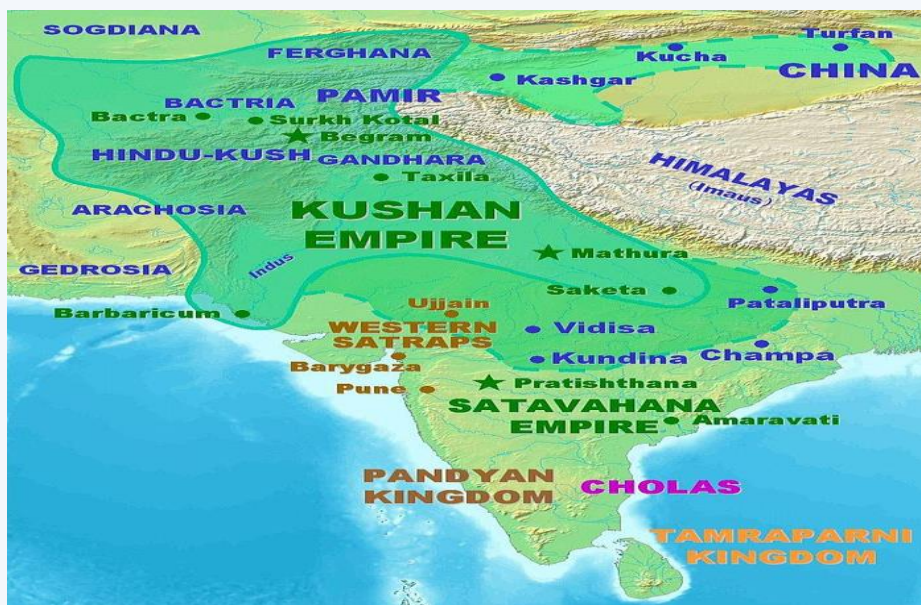
ساختمان جیولوجیکی بند امیر

بند امیر در حقیقت آب آنده از برف و باران است که در طی سال به کوهها و تپه های کوههای بابا ریخته و سپس در پایتترین حصص همواری های کوههای بابا برای خود مجرا پیدا نموده چشمه ها و دریا های را ساخته است.

کوههای بابا شاخه از هندوکش ، کوههای پامیر و بلاخره همالیا میباشد که ۴۰ میلیون سال قبل در اثر تصادم پارچه نیم قاره هند به آسیا ساخته شده است. علت که کوههای بابا دارای ارتفاع کم و دارای تپه های خاکی است فشار کم بالای این نواحی میباشد. در حقیقت نقطه آخری فشار قاره هند بالای کوههای بابا میباشد. بدین وسیله در اکثر نقاط زمانی که خاکها به بلندی کشانیده شده است به اثر فشار کم به سنگهای رسوبی تبدیل نشده بشکل تپه های خاکی باقی مانده است در بسا نقاط جنگهای غلو زیر این خاکها شده به معادن ذغال و تورف مبدل شده است. وهم در اکثر نقاط مجرا های شستن خاک کم بوده خاکها در نقاط پست ذخیره گردیده همواری های را ساخته است. بدین وسیله مقدار زیادی آب درین کوهها و تپه ها جذب گردیده در طی سالهای متمادی هزاران چشمه هارا ساخته است.

تاریخچه زیست بشری در کنار بند امیر

بشر بخصوص مصری ها و چینایی ها از سالیان خیلی ها دور غرض تجارت به راه های ضرورت داشتند که در مسیر آن به آب دستیابی نمایند. بدین لحاظ اولین راه شمال افغانستان به بامیان و از آنجا به هرات ، کابل و هند از هزاران سال به اینطرف مورد استفاده قرار داشته است. کوشانیان اولین اقوام بودند که بامیان مورد توجه آن قرار گرفت. این قوم شاخه از اقوام آریایی بوده از دست چینایی ها شکست خورده به بدخشان هجوم آوردند سپس با تخاری ها و سکها متحد شده یونانیان را از باختر رانده بلاخره به هند رانند. کوشانیان علاقه به کشت زراعت و ماهی گیری داشته چشمه و منشع آب را خیلی مقدس می شمردند. این طایفه دارای دین بودایی بوده به چشمه ها و مجراهای آب نام بودایی را می گذاشتند. چنانچه بند را در بدخشان بنام شیوا گذاشتند. پس از اینکه یونانیان را به جنوب راندند بند را که امروز بنام نهرشاهی مزار شریف یاد می گردد بنام شیوا نام گذاری نمودند پس از اینکه مجرا دریای بلخ را در بامیان دریافتند دو تندیس بزرگ را در بامیان اعمار نموده نام تندیس مونث را شیوا نام گذاری نمودند. نام های امروزی بندهای کوچک بامیان قبلا نامهای دیگری داشتند پس از اینکه مسلمانان در بامیان جا گرفتند نامهای بودایی را از بین برده به بندها نامهای اسلامی را گذاشتند.



از ولایت بامیان در ادبیات پهلوی (فارسی میانه) به نام بامیکان یاد شده است که به معنای درخشان و روشن میباشد. در برخی آثار تاریخی آمده است که در واقع بدلیل نزدیکی بلخ به بامیان، بلخ را، "بلخ بامی" می گفتند و بامیک صورت پهلوی بامی (به معنی درخشیدن) است.

در سده اول میلادی برای نخستین بار در تاریخ "یانج هو" تاریخ نگار چینی، نام بامیان را بصورت "هانج" و یا "هان" بکار برده است و سپس زائر چینی هیوان تسانگ برای اولین بار موقعیت و تاریخ بامیان را ثبت کرده است و پس از وی در ادبیات و مآخذ چین، بامیان با نام "فانگ یانگ" و یا "فان یان" خوانده شده است که این نام نزدیک به تلفظ امروزی "بام یان" یا "بامیان" است.

بخشی از تاریخ بامیان به دوره اول کوشانیان از سده اول میلادی باز می گردد که آیین بودا را تا نواحی شمالی هندوکش گسترش دادند، بامیان که بر سر راه ابریشم قرار داشت، به تدریج به مرکز تجاری- مذهبی مهمی بدل شد. چنانکه هیوان تسانگ، راهب بودایی چینی که در اوایل سده 7 میلادی از بامیان دیدن کرده است، در گزارشهای خود از دهها معبد بودایی که در آنها هزاران راهب به عبادت مشغول بودند، یاد میکند. موقعیت بامیان و ثروتی که از راه نذرات زوار و بازرگانانی که از آنجا عبور می کردند، به دست می آورد، موجب شد که به یکی از بزرگترین مراکز آیین بودا تبدیل گردد و آثاری بدیع از هنر بودایی در آنجا پدید آید که شگفتی هر بیننده ای را برمی انگیزد. از مهمترین این آثار دو مجسمه عظیم بودا یکی به ارتفاع 53 متر و دیگری به بلندی 35 متر بود که از شاهکارهای هنری عصر کوشانیان به شمار می رفت، هیوان تسانگ همچنین از مجسمه عظیمی در بامیان که بودا را در حالت خوابیده به پهلو نشان می داد، یاد می کند که امروزه اثری از آن دیده نمی شود. یا تا حال کشف نشده است.

با هجوم جهانگردان از اواخر دهه ۱۳۶۰ م زمینه های تجدید رونق این شهر فراهم گردید و برخی تأسیسات شهری در آن ساخته شد، لیکن پس از تحولات سیاسی افغانستان به دنبال کودتای سال 1357 ش/ 1978 م و آغاز جنگهای داخلی، این شهر مانند سایر شهرهای افغانستان دستخوش ویرانی گردید.

در همین اواخر بسیاری از آثار گرانبهای تاریخی آن مانند، دو پیکره بزرگ بودا که پیشتر از آن یاد شد به دست طالبان ویران شد که موجب اعتراض جهانیان و سازمانهای بین المللی فرهنگی گردید.

با خوشنودی مردم بامیان

کریم پوپل